

انتخابات این دوره آمریکا هم برای محیط داخلی و هم برای محیط خارجی بحث‌های زیادی دارد. افشاکری‌هایی که در تبلیغات انتخاباتی دیدیم به نوعی تصویری از شریاط داخلی و خارجی آمریکا بود. کارهایی که ترامپ انجام داد اقدامی خارج از رفتارهای ناهنجار ترامپ را باید یک اقدام مدیریت شده تلقی کنیم یا نه؟! یعنی آمریکا وارد فازی می‌شود که بنابر دلایلی، در محیط داخلی و خارجی آن اتفاق می‌افتد؟! این شرایط ناهنجار در رفتارهای کسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور امریکا شود به عنوان رخداد خود به خودی است که توانسته خود را به سیستم حاکمیتی امریکا تحمیل کند؟ نظر شما در این باره چیست؟

مشکلی که در بین ایرانی‌ها وجود دارد این است زمانی که در آمریکا بحران اقتصادی ایجاد می‌شود، بحران اجتماعی به وجود می‌آید. برخی در داخل کشور نگاهی که به امریکا دارند بزرگ‌تر از واقعیت‌هایی است که اتفاق می‌افتد. این حوادث بد که برای آمریکا اتفاق می‌افتد چون با این نگاه همخوانی ندارد پس به این نتیجه می‌رسند که پس از اتفاقات کار خود امریکایی‌ها است و مدیریت می‌شود. من با این نگاه مخالف هستم. همچنان که حوادث سال ۱۳۸۸ در ایران رخداد بدی بود و مسئله مدیریت شده‌ای نبود در امریکا هم رخداد‌های اجتماعی همینگونه است.

به نظر من امریکا یک کشور در حال افول است و مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن در حال افزایش است. سخنانی که دونالد ترامپ درباره مشکلات داخلی می‌گوید واقعیت دارد. آمارهایی وجود دارد که نشان می‌دهد از هر سه زن در امریکا به یک زن تجاوز می‌شود. از طرفی، مشکلات سیاسی هم در این کشور وجود دارد. بیشتر سیاستمداران امریکایی به این شکل همدیگر را متهم نمی‌کردند و الان آبروی امریکایی‌ها در جهان رفته است. افشاکری‌هایی که در دوران تبلیغات انتخاباتی انجام شد بسیاری از حقایق را درباره امریکا روشن کرد و این هنجارشکنی‌ها تبعات منفی برای این کشور دارد. حزب جمهوریخواه از لحاظ ساختارهای داخلی فروپاشیده است و شخصی به نام دونالد ترامپ خارج از حزب آمده و همه معادلات را برهم زده است. سیستم امریکا طراحی‌هایی برای بیرون نگه داشتن افرادی مثل ترامپ داشت و فیلترهایی هم وجود داشت ولی ترامپ توانست از آنها عبور و نامزد نهایی حزب جمهوریخواه شود. شخص میلیاردری مثل ترامپ با ادبیات خاص خودش وارد کارزار انتخاباتی می‌شود و در این زمینه طراحی پشت پرده‌ای هم وجود ندارد و هرچ و مرج و برنامه مدیریت شده‌ای نیست و از واقعیت‌های موجود در بدنه جامعه امریکا ناشی می‌شود.

شما گفتید ترامپ از بیرون حزب جمهوریخواه آمد، ولی فیلترهای موجود را رد کرد. این فیلترها کدامند و با وجود اینکه ترامپ بین اعضای جمهوریخواه هم چندان محبوبیتی نداشت چگونه توانست از این فیلترها عبور کند؟

در امریکا پنج سطح فیلتر برای گزینش نامزدها وجود دارد. اولین فیلتر مسئله «پول» است و بر اساس پژوهش‌هایی که اساتید امریکایی انجام داده‌اند، افرادی در امریکا به مقام سیاسی می‌رسند که نسبت به نامزد رقیبشان پول زیادی صرف می‌کنند. زیرا تبلیغات انتخاباتی در امریکا هزینه‌های زیادی دارد که همه از عهده آن بر نمی‌آیند. مردم هم به نامزدهای انتخاباتی کمک مالی می‌کنند. اسام این مقدار در مقابل هزینه‌های تبلیغاتی ناچیز است. هزینه انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۱۲، بالغ بر ۷ هزار میلیارد دلار بود که تخمین زده می‌شود در این دوره بیشتر از دوره قبل است. بخش کوچکی از هزینه انتخاباتی در امریکا را مردم می‌دهند، اما بخش عمده آن را ثروتمندان تقیل می‌کنند. بر اساس گزارش‌شی که مجله «کونومیسست» ارائه داده بود در ازای هر دلاری که سرمایه‌داران به سیاستمداران می‌دهند، در قبال آن ۲۰ دلار سود می‌کنند. پیشنه‌اد اکونومیسست این بود که بهترین سرمایه‌گذاری در امریکا این است که به سیاستمداران پول بدهند، چون سود بیشتری عایدشان می‌شود. از سوی دیگر، افرادی را که قرار نیست در انتخابات درون حزبی شرکت کنند به همین روش کنار می‌گذارند. در حزب جمهوریخواه ابتدا بیش از ۲۰ نفر نامزد شده بودند. تعدادی از این افراد قبل از اولین انتخابات درون حزبی در ایالت «ایووا» انصراف دادند و کنار کشیدن این نامزدها به خاطر این بود که مشکل مالی داشتند و نمی‌توانستند به کارزار انتخاباتی ادامه دهند. دلیل اینکه ترامپ توانست اولین فیلتر را رد کند این بود که او از لحاظ مالی مستقل بود و نیازی به کمک‌های مالی دیگران نداشت. فیلتر دوم شرکت در انتخابات درون حزبی است، یعنی اینکه اسم فرد باید در لیست اولین انتخابات ایالتی در ایووا باشد تا بتواند در مناظره‌های درون حزبی شرکت کند و این اجازه را خود حزب می‌دهد و اینکه ترامپ چگونه از این مرحله عبور کرد نیز مهم است. جمهوریخواهان از این واهمه داشتند که ماجرای انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۱۹۹۲، بار دیگر تکرار شود. در آن زمان یک میلیاردی به نام «راس پرو» برخی از فیلترهای حزب جمهوریخواه را رد کرد، اما در نهایت نتوانست به عنوان نامزد این حزب انتخاب شود، به همین خاطر به عنوان نامزد مستقل وارد انتخابات شد و توانست ۱۵ درصد آرای مردمی را به خود اختصاص دهد، اما این تعداد آرا بیشتر از آرای جورج بوش پدر، رئیس‌جمهور سابق امریکا کم شد و اینکه دوره بوش پدر چهار سال شد، ولی دوره پسرش هشت سال شد، این بود که راس پرو به عنوان رقیب بوش پدر وارد انتخابات و این مسئله به نفع دموکرات‌ها تمام شد و دلیلی که بیل کلینتون، نامزد دموکرات‌ها برنده انتخابات ریاست جمهوری شد کاهش آرای مردمی جمهوریخواهان بود.

داشته‌ند که اگر ترامپ را رد کنند وی به طور مستقل وارد انتخابات خواهد شد و تجربه سال ۱۹۹۲ تکرار خواهد شد و آرای این حزب کاهش پیدا می‌کند. البته خود ترامپ هم بارها اعلام کرده بود که اگر جمهوریخواهان به او رأی ندهند به طور مستقل وارد انتخابات خواهد شد. از این رو، اعضای حزب جمهوریخواه تصمیم گرفتند اجازه دهند ترامپ در انتخابات درون حزبی شرکت کند تا در مراحل بعدی رقابت‌های درون حزبی وی را مدیریت کنند.

در این بین، انتخابات هر چهار سال یک‌بار حزب که در تابستان رأی‌گیری آن انجام می‌شود اهمیت ویژه‌ای دارد. هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات سه مدت یک هفته در



**بررسی انتخابات ریاست جمهوری امریکا در گفت‌وگو با دکتر فواد ایزدی، کارشناس مسائل امریکا**

# رأی به ترامپ اعتراض به نظام امریکاست

**سیاست خارجی ترامپ در ماه‌های نخست دست‌کنگره خواهد بود**

■ روح‌الله صالحی

با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، آنچه بیش از هر چیز ذهن جهانیان را به خود معطوف کرده، سیاست خارجی این کشور در دوران ریاست جمهوری این چهره چنجالی است. دونالد ترامپ، نامزد چنجالی جمهوریخواهان روز ۸ نوامبر در میان بهت و حیرت همگان به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور امریکا راهی کاخ سفید شد. پیروزی ترامپ در شرایطی رخ داد که تا شب انتخابات ریاست جمهوری، همه نظرسنجی‌ها از پیششارتی هیلاری کلینتون، نامزد دموکرات‌ها حکایت داشت. انتخابات این دوره امریکا از لحاظ حجم تحریب‌های به کار رفته توسط دو کاندیدای مطرح علیه یکدیگر بی‌سابقه بود و افشاکری‌های انجام‌شده صریح‌تر و واضح‌تر از مواردی بود که در طول تمام‌آی سال‌ها توسط مخالفان و دشمنان امریکا مطرح می‌شود. بسیاری از رأی‌دهندگان امریکایی، سیاستمداران از هر دو حزب و کشورهای جهان همچنان در بهت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری امریکا به سر می‌برند؛ نتیجه‌ای که ترامپ آن را آغاز یک جنبش خواهد‌است. جنبش اعتراض امریکایی‌ها علیه نظام حاکم، از سیاستمداران هر دو

جایی جمع می‌شوند و نماینده نهایی حزب را تعیین می‌کنند. در این مرحله احتمال نفوذ اعضای اصلی گراندنگان مهم حزب وجود دارد و رأی آنها برای تعیین نامزد نهایی تأثیرگذار خواهد بود. در هر حزب ۷۰۰ «سوپر دلگیت» یا نماینده ارشد وجود دارد که حق رأی دارند، اما با رأی مردم انتخاب نشده‌اند و به هر نامزدی که بخواهند می‌توانند رأی دهند. تعدادی از نمایندگان حزب با رأی مستقیم مردم ایالت‌ها در حزب حضور دارند، اما «سوپر دلگیت»‌ها از طرف حزب حق رأی دارند و این افراد معمولاً بین افرادی که بیشترین پول و کمک را به حزب انجام داده باشند انتخاب می‌شوند و این افراد با توجه به تعدادشان در نتیجه انتخاب نامزد نهایی حزب تأثیرگذار هستند. ترامپ فیلتر سوم یعنی جذب آرای مردمی را هم به طور ناپاورانه‌ای رد کرد.

با همه حاشیه‌ها و ادبیات بدی که ترامپ داشت، اما یک اتفاق غیرمعمول در امریکا رخ می‌دهد که برای ما خیلی مهم است و آن بزوب بی‌اعتمادی به رهبران این کشور است. جمهوری اسلامی ایران ۲۷ سال است که می‌گوید رهبران امریکا قابل اعتماد نیستند و نظرسنجی اخیرى که موسسه «پپی‌یو» انجام داده است نشان می‌دهد که ۷۰ درصد مردم امریکا به رهبران خوداعتماد ندارند. ایران می‌گوید این سیستم مدیریت شده است و پول نفوذ زیادی در آن دارد و همین سخنان ترامپ درباره فاسد و ناسالم بودن سیستم حکومتی امریکا سبب شد تا مردم به او رأی دادند و این سخنان متفاوت از سیاستمداران سنتی

انجام می‌دهد و امری طبیعی است. رسانه‌های امریکا و نخبگان سیاسی همه‌از کلینتون حمایت می‌کردند و هیچ بخشنامه‌ای وجود ندارد که رسانه‌ها را نسبت به جانبداری از یک نامزد منع کنند.

به نظر می‌رسید اینکه ترامپ توانست همه فیلترهای سرس راه خود را پشتسر بگذارد، شانسی نبوده، بلکه جامعه امریکا در شرایطی قرار گرفته که سبب اقبال عمومی به ترامپ شده است. در سطح سیاسی هم زمینه‌هایی وجود داشته است که به ترامپ در نظر از این فیلترها کمک کرده‌است. به نظر تان این عوامل اجتماعی و سیاسی چه چیزهایی هستند؟

امریکا به منظم بودن و مدیریت شده بودن مشهور بود و جمهوریخواهان و دموکرات‌ها علیه همدیگر سخنانی می‌گفتند، اما هر دو حزب اظهار نظر‌ها را داخل ساختار امریکا انجام می‌دادند. اتفاقی که در انتخابات ۲۰۱۶ رخ داده، این است که این ساختار‌ها به هم ریخته است. اینکه ترامپ رأی مردمی را دارد یک امر تصادفی نیست و نوعی بیداری و آگاهی در جامعه امریکاست و مردم این کشور متوجه شدند چه تحولاتی در حال رخ دادن است و از طرفی ترس امریکایی‌ها از حکومت از بین رفته است و مردم با توجه به اظهارات ساختار شکنانه ترامپ متوجه شدند که وی

## د

تغییرات کنونی در جامعه و ساختار امریکا برای ایران فرصت است تا بتواند از آن استفاده کند و برای این موضوع باید طراحی‌هایی داشته باشد از اینکه ترامپ رأی آورده باید چگونه با این مسئله برخورد کند، همانگونه که امریکایی‌ها در انتخابات ایران فعال هستند و بر نامه‌ریزی‌های خاصی دارند ما هم باید برای انتخابات امریکا بر نامه و طراحی‌هایی داشته باشیم، اما در وزارت خارجه ایران این طرح‌ها در اولویت نیست

ایالتی به تعداد نمایندگان در کنگره رأی الکتروال دارد و هر فرد می‌تواند به انتخاب خود به هر کسی که بخواهد رأی بدهد. حتی ممکن است نماینده یک حزب به نامزد حزب مخالف رأی بدهد و این اختیار را دارد.

فیلتر پنجم «رسانه» است. رسانه‌های قبلی می‌توانستند افکار عمومی را مدیریت کنند، ولی الان قدرت خود را از دست داده‌اند و مردم زیاد به آن استناد نمی‌کنند و ترامپ توانست از این مسئله بیشتر به نفع خود استفاده کند. در انتخابات اخیر بیشتر رسانه‌ها از هیلاری کلینتون، نامزد دموکرات‌ها حمایت کردند و ترامپ از سوی رسانه‌ها و چهره‌های سرشناس امریکا حمایت نمی‌شد، اما به هر حال رسانه در برخی افشار جامعه تأثیرگذار است. یعنی رسانه‌های امریکا همه طرفدار کلینتون بودند و تنها برخی خبرنگاران شبکه «فاکس نیوز» طرفدار ترامپ بوده‌اند و بیشتر آنها در خدمت دموکرات‌ها بودند. ترامپ به رغم نبود حمایت‌های رسانه‌ای بازم نتوانست از این فیلتر عبور کند.

از پنج فیلتری که شما اشاره کردید تنها دو مورد رسمی است، اما بقیه غیررسمی است و قانون خاصی درباره فیلتر کردن افراد برای نامزد شدن در حزب وجود ندارد، ولی به عنوان موارد تأثیرگذار در انتخاب فرد مورد نظر به کار می‌روند؟

بله، این سیستم امریکا نوعی فیلتر ینگ هوشمند انجام داده بدون قانون و بخشنامه همه کاره‌ایش را



**تبلیغاتی خود به آن اشاره کرده‌است. به نظر تان چه عواملی در بروز این پدیده نقش داشته‌اند؟**

در بروز این پدیده عوامل اقتصادی نقش دارد که به خروج کارخانه‌ها از امریکا منجر شد. چون دنبال کارگر ارزان بودند و سیستم این امکان را برایشان فراهم کرد تا از امریکا خارج شوند. افراد کارشان را از دست دادند و متوجه شدند کسی مسبب این مشکلات مالی است و الان مردم سیستم امریکا را مقصر می‌دانند. وقتی می‌بینند با وجود مشکلات اقتصادی امریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان چند تریلیون دلار هزینه می‌کند بدبین می‌شوند. ترامپ هم گفته است اگر هزینه‌های جنگی در داخل سرمایه‌گذاری می‌شد وضع کشور بهتر از شرایط فعلی بود. از طرفی، این تغییر در جامعه امریکا نوعی جنبه اعتراضی به ساختار حاکم دارد و بسیاری از مردم شاید طرفدار ترامپ نباشند، اما به خاطر لجاجت با ساختار حاکم به ترامپ رأی می‌دهند تا اعتراض خودشان را اینگونه اعلام کنند. پس پیروزی ترامپ، نه مردم به ساختار امریکایی است.

**ورود ترامپ به کاخ سفید به عنوان کسی که از سیستم حاکم بر امریکا انتقاد کرده چه تأثیری بر سیاست خارجی امریکا خواهد داشت؟ به عبارت دیگر، سیاست خارجی امریکا در چه جهت‌هایی تعدیل می‌شود؟** ویگرد این کشور در مقابل روسیه، چین و حتی کشورهای عربی به چه سمت و سویی خواهد رفت؟

باتوجه به اینکه ترامپ سابقه سیاسی ندارد به همین خاطر سیاست خارجی وی غیرقابل پیش‌بینی است و معلوم نیست چه سیاستی را اتخاذ خواهد کرد و باید دید اظرفایش چه اقدامی انجام خواهند داد. مایکل فرند، مشاور امنیتی ترامپ نسبتاً بد نیت است، او دو سال پیش رئیس اطلاعات ارتش بود و زمانی هم که از ارتش بیرون آمد گفت که داعش نتیجه مداخله سیاست‌های امریکا در خاورمیانه است. در حلقه ترامپ این تصور وجود دارد که عربستان سعودی در منطقه زیاده‌روی می‌کند و برخلاف تیم کلینتون نگاه ضد عربستانی در بین اطرافیان ترامپ حاکم است و به نظر می‌رسد در زمان ترامپ هم‌راه با سیاست‌های عربستان در خاورمیانه کمتر خواهد شد. در برخی حوزه‌ها که ترامپ حرف‌های زیادی گفته است تغییرات چندانی ایجاد نمی‌شود. بنابراین، در حوزه



سیاست خارجی آینده مشخصی وجود ندارد. در بحث روسیه هم ترامپ گفته است با روسیه روابطش را بهبود خواهد داد و ممکن است در بحران سوریه به توافقاتی دست پیدا کنند. رابطه کلینتون با لایحه صهیونیستی و اسرائیل بیشتر بود، اما رابطه ترامپ با صهیونیست‌ها کمتر است و یکی از مشکلات ترامپ در ابتدا این بود که گفته بود در مسئله فلسطین بی طرف خواهد بود که بعداً این موضع خود را اصلاح کرد. در امریکا کسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود باید از صهیونیست‌ها حمایت کند.

**با توجه به اینکه ترامپ در کمپین‌های تبلیغاتی خود پیش از انتخابات بارها مخالفت خود را با توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ اعلام کرده بود و حتی مدعی شده بود در صورت پیروزی در انتخابات برجام را پاره خواهد کرد به همین منظور نگرانی‌ها نسبت به آینده برجام چه در داخل ایران و چه در بین شرکای اروپایی واشنگتن افزایش یافته است. با این حال شما چشم‌انداز توافق هسته‌ای ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا ترامپ با قسر از گرفتن در هر دم قدرت امریکا به وعده‌های انتخاباتی خود در مقابل توافق هسته‌ای عمل خواهد کرد یا اینکه این وعده‌ها تنها در حد حرف باقی خواهد ماند؟**

به نظر، ترامپ در ماه‌های اول ورود به کاخ سفید سیاست خارجی امریکا در مقابل ایران را به دست کنگره خواهد داد تا در این زمینه تصمیم‌گیری کند. امریکایی‌ها نسعی دارند فشارها به ایران را افزایش دهند. آنها بر این باورند که تحریم‌ها علیه ایران جواب می‌دهد و این تحریم‌ها بود که ایران را پای میز مذاکره آورد و باید همچنان فشارها ادامه پیدا کند. به همین خاطر است که کنگره به دنبال تحریم‌های بیشتر است. ترامپ نیز از این اقدامات حمایت خواهد کرد و با رفتن باراک اوباما شرایط برای اجرای برجام سخت خواهد شد.